

درجه

درخشش نمایش ایرانی درروسیه

گروه هنر: دبیر جشنواره بوآ دیلیم افتخار حضور و تندیس سومین جشنواره بین‌المللی فضا و دیالوگ بوئینسک را به اکبر صادقی، نویسنده و کارگردان اثر اهدا کرد. نمایش «و خداوند درون یک مرد دو قلب قرار نداد» به کارگردانی اکبر صادقی و تهیه‌کنندگی اتابک نادری اجراهای خود در سومین جشنواره بین‌المللی «فضا و دیالوگ» بوئینسک ۲۰۱۹ در شهر کازان روسیه خود را پشت‌سر گذاشت. اجرای اول این نمایش به منتقدان، هنرمندان و مدیران تئاتر حاضر در فستیوال اختصاص داشت.از اجرا رائیل صدیر او (SADRIEV RAIL ILDAROVICH) رئیس تئاتر بوئینسک و دبیر جشنواره بوآ دیلیم افتخار حضور و تندیس این جشنواره را که به‌صورت غیررقابتی و در قالب شوکیس برگزار می‌شود، به اکبر صادقی، نویسنده و کارگردان اثر اهدا کرد. همچنین اتابک نادری، تهیه‌کننده نمایش «و خداوند درون یک مرد دو قلب قرار نداد» به نمایندگی از گروه هدایایی فرهنگی را به رسم تشکر از مهمان‌نوازی مردم و مسئولان جشنواره بوئینسک به ایشان اهدا کرد. این نمایش در دومین اجرای خود در ساعت ۱۹ روز ۱۶ می (پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت) میزبان مخاطبان عمومی این رویداد بود. سومین جشنواره بین‌المللی «فضا و دیالوگ» بوئینسک ۲۰۱۹ از ۱۱ تا ۲۱ می (۲۱ تا ۳۰ اردیبهشت) برگزار می‌شود و هنرمندان نزدیک به ۲۰ کشور در این رویداد حضور دارند. این جشنواره که در قالب یک بازار جهانی تئاتر فعالیت می‌کند، هرساله میزبان کارگردانان و تهیه‌کنندگانی از سراسر جهان است. نمایش «و خداوند درون یک مرد دو قلب قرار نداد» در دو اجرا، روزهای ۱۵ و ۱۶ می به ترتیب در تئاتر نمایشگاه دولتی Buinsk و خانه فرهنگی ولسوالی Kamskoye Ustye روی صحنه خواهد رفت. پیرسا صدایی آذر، دنا امامی و اکبر صادقی بازیگران این نمایش هستند. همچنین از دیگر عوامل این نمایش می‌توان به دستیار کارگردان، فیاض بهرام، آهنگساز، محمدرضا عرفانی، نورآنگدان، امین موسوی، عزیز داش‌تیموری و محمدرضا عرفانی، ارتباطات بین‌الملل، شلاله قدسی، بازیگران، یوسف دادجو، طراح صحنه، اکبر صادقی و حسین خدایی، منشی صحنه، صبا کاتب، عکاس، مونا زارع، سرپرست گروه، صمد وحدت‌زاده اشعار کرد، نمایش «و خداوند درون یک مرد دو قلب قرار نداد» در بیست‌وپنجمین جشنواره تئاتر استانی اردبیل ضمن دریافت جوایز نمایش‌نامه برتر، بازیگری اول و دوم زن، بازیگری دوم مرد، کارگردانی اول، طراحی صحنه و موسیقی، به‌عنوان نمایش منتخب این جشنواره، حضوری موفق در دومین همایش نمایش‌های برتر جشنواره‌های تئاتر استان‌های کشور که در تهران برگزار شد، داشت و با انتخاب هیئت‌داوران این همایش به عنوان یکی از نمایش‌های برتر استان‌ها، در سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیز حضور داشت.

بازیگران «نفرین قحطی‌زده‌گان»

گروه هنر: نمایش «نفرین قحطی‌زده‌گان» به کارگردانی اشکان خطیبی و با حضور آناهیتا درگاهی، میرسعید مولویان و هامون سیدی به روی صحنه می‌رود. «نفرین قحطی‌زده‌گان» نوشته سام شپارد است که با بازنویسی و دراماتوزی امید سهرابی اواخر خرداد اجرا می‌شود. در این نمایش هفت بازیگر به ایفای نقش می‌پردازند که اسامی آنها به‌زودی اعلام خواهد شد. اشکان خطیبی هم‌اکنون به‌همراه بازیگران خود در حال تمرین و آماده‌سازی این اثر است.

روخوانی نخستین نمایش‌نامه ایسن در تئاتر شهر

گروه هنر: نمایش‌نامه «کتلینا» به ترجمه و کارگردانی یاسمن طلالی روز یکشنبه ۲۹ اردیبهشت‌ماه در تالار مشاهیر مجموعه تئاتر شهر روخوانی می‌شود. جلسه نمایش‌نامه خوانی «کتلینا» نوشته هنریک ایبسن و با ترجمه و کارگردانی یاسمن طاللی ساعت ۱۸:۳۰ یکشنبه ۲۹ اردیبهشت در تالار مشاهیر مجموعه تئاتر شهر میزبان تمامی علاقه‌مندان خواهد بود. ایرج تدین، مهدی ذره، مهشید زبردست، محدثه سیفی، مریم صوری، حسن عسگری، محمد مرادی‌فر و حسین میرهاشمی هنرمندانی هستند که در این جلسه نمایش‌نامه‌خوانی به‌عنوان نقش‌خوان حضور دارند. «کتلینا» نخستین نمایش‌نامه هنریک ایبسن، نمایش‌نامه‌نویس شهر نروژی است و روایت اصلی آن برگرفته از کودتای لوسیوس سرگیوس کتلینا، از اعضای مجلس سنای رم در قرن اول پیش از میلاد است که برای براندازی جمهوری و کاهش قدرت مجلس سنا دست به کودتایی نافرجام زد. هنریک ایبسن از شاخص‌ترین درام‌نویسان سال‌های پایانی قرن نوزدهم میلادی است که سبک نمایشی او عمدتاً بهره‌گیری از وجوه سمبلیستی در بستری رئالیستی است. از این چهره کلیدی درام خوش‌ساخت تانکنیون نمایش‌نامه‌های «سنتون‌های جامعه»، «هدا گابلر»، «خانه عروسک»، «پرگنت»، «اشباح»، «جان گابریل بورکمن»، «رومرسهلم» و… به زبان فارسی ترجمه شده و بارها روی صحنه رفته است. ورود برای تمامی علاقه‌مندان به این برنامه آزاد و رایگان است.

ناخدا خورشید

ناخدای قصه، باصلابت، محکم و مصمم است. حتی اگر در شروع داستان، سرمایه چندهال‌اش را به‌خاطر جاه‌طلبی‌اش جلوی چشمانش آتش بزنند، باز هم، شکست و پیاس را در صورت سنگی‌اش نمی‌بینید. او برای امرار معاش خانواده‌اش همه‌کار می‌کند. حتی اگر قرار باشد با یک دست لنج بزرگی را در دریا به فرمان خودش دربیاورد. او نماد مبارزه با بورژواست. وقتی یک فرد، قدرت و ثروت را فقط در راستای اهداف خود می‌بیند و بدون داشتن جایگاه مدیریتی، قوانین خودش را، با چاشنی ظلم به طبقه ضعیف‌تر جامعه دیکته می‌کند. ولی او سر تعظیم جلوی امپریالیسم فرود نمی‌آورد و لذت انتقام را حتی به قیمت ازدست‌رفتن زندگی‌اش، به تلخی، به جان می‌خرد. ولی نکته در اینجاست، هرچند، در قهرمان‌سازی ناخدا خورشید، به این نکات توجه می‌شود، ولی او از ابتدا تا انتهای فیلم با چالش‌ها و شکست‌های پیش‌آمده روبه‌رو و سیمای قهرمان‌گونه‌اش دچار اضمحلال می‌شود. از سوختن بار و سرمایه لنجش، یکدست‌بودن و مغلولیش، نداشتن شرایط مالی مناسب، لبه تیغ انتخاب بین خرج خانواده و اعتقادات مذهبی (حلال و حرام) و ظلم طبقه ثروتمند جامعه، همه حاکی از این موضوع است که قهرمان دچار استیصال است. زندگی پرچالش، تلخ هم به انتها می‌رسد؛ ساز جفتی به قامت تنهایی می‌نوازد تا امیدی برای دوستداران سرنوشت این کاراکتر، حتی در انتهای فیلم نباشد.

هامون

قصه با کابوس هامون شروع می‌شود؛ تصویری که، قهرمان قصه را، در ورطه‌ای نشان می‌دهد که حقایق زندگی‌اش به‌صورت تلخ در کابوس‌هایش نمود پیدا می‌کند. هامون عاشق است. چه در خاطرات گذشته‌اش، چه در لحظه، به دنبال معنی عشق است. او به اندازه عشق ابراهیم به خدا عاشق نیست و می‌جنگد تا این را عشق را بفهمد. خط بطلان زندگی‌اش با ازدواج شروع می‌شود. او معلم انگلیسی کلاس شبانه است و در کنارش نویسنگی می‌کند و شرایط مالی خیلی خوبی ندارد. هامون با مهشید که شرایط مالی بسیار خوبی دارد ازدواج می‌کند. او در گرداب خواسته‌های زندگی مدرن، مهشید و ستنی خود به سرگشتگی دچار می‌شود. او با مدرنیته مخالف است، چون به نظرش، عشق به فراموشی سپرده می‌شود و این شروع مشکل این زوج است. مهشید رابطه را پس می‌زند و دیگر تمایلی برای ادامه مسیر با او ندارد، درحالی‌که حمید هامون همچنان عاشق است. در کنار این موضوع، او در جست‌وجوی عشق الهی است و واقعیت‌هایش را زندگی این را برنمی‌تابد و او همه داشته‌هایش را

بهناز شیربانی:
ترمیم نسخه‌های قدیمی فیلم‌های تاریخ سینمای ایران در چند سال اخیر و نمایش دوباره آنها برای علاقه‌مندان سینما، زبانتا منتهی داشته و توجه بسیاری را جلب کرده؛ فیلم‌هایی که تماشای دوباره آنها در مناسب‌هایی خاص یا جشنواره‌های سینمایی، محل بحث و نظر بسیاری از کارشناسان بوده است. احمد طالبی‌نژاد، سینمایی‌نویس باسابقه سینما، درباره ترمیم فیلم‌های تاریخ سینمای ایران و نمایش دوباره آنها به «شرق» گفت: «بازسازی یا دیجیتال‌کردن نسخه‌های قدیمی فیلم‌های برجسته تاریخ سینما، در تمام دنیا رایج بوده و حتی در دوربین رنگی‌کردن فیلم‌های کلاسیک رواج پیدا کرده بود که با مخالفت عده‌ای روبه‌رو شد. به‌رحال ترمیم نسخه فیلم‌های قدیمی ایرانی به مدد خان لان طاهری (مدیر فیلم‌خانه ملی ایران)، از چند سال پیش آغاز شد و اتفاق بسیار منتهی است که رضایت تماشاگران را نیز در پی داشته است».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «فیلم‌هایی که بسیاری از آنها را نسل جدید ندیده‌اند، با کیفیتی مناسب و کمترین ممیزی نمایش داده می‌شوند؛ هرچند در خانه سینما، فیلم‌هایی از قبل از انقلاب مثل حاج‌آقا آکثور سینما نیز نمایش داده شده است که برای مخاطبان‌شان کنگره است) وضع شد، با کیفیت مناسب، بسیار جالب بود. قطعاً نمایش دوباره این قبیل آثار، از یک طرف تاریخ تحولات سینمای ایران را به درستی نشان می‌دهد و از طرف دیگر، تصور می‌کنم در زمانه‌ای که دچار سینمای ژورنالیستی شده‌ایم و تعداد فیلم‌های عمیق در سینمای ما روزبه‌روز کمتر می‌شود، نمایش این قبیل آثار می‌تواند از نابودی فرهنگ سینمای کشور جلوگیری کند».

طالبی‌نژاد درباره نمایش نسخه ترمیم‌شده فیلم «در کوچه‌های عشق» به کارگردانی خسرو سینایی که امروز (۲۹ اردیبهشت) در خانه سینما نمایش داده می‌شود، نیز گفت: «نمایش دوباره این فیلم با کیفیتی مناسب ازجمله برنامه‌های خوبی است که خانه سینما تدارک دیده. این فیلم درباره تبعات منفی جنگ صحبت می‌کند و عناصری از مستند در آن دیده می‌شود که بسیار درخرو توجه است و سیر و سلوک عاطفی شخصیت اصلی داستان، مخاطب را با خودش همراه می‌کند. فیلمی که در زمان خودش می‌توانست الگوی خوبی برای نوعی

هنر

چرا در سینمای اجتماعی ایران، قهرمان‌های خلق شده، این قدر تلخ و بدون امید ساخته می‌شوند؟

آیا سینمای ما، سیاه‌نمایی می‌کند؟



یکی پس از دیگری از دست می‌دهد. او سرگشته به دریا پناه می‌برد تا در جواب‌های پیدانکرده خودش غرق شود؛ قهرمانی با قصه و سرنوشت تلخ که در اذهان تماشاگران به یاد می‌ماند.

لیلا

قصه برای لیلا شیرین شروع می‌شود؛ به طعم لذت‌بخش و خوش‌رنگ شله‌زرد. ازدواج با رضا به اندازه یک سال خاطره خوش دارد. همدیگر را می‌فهمند، می‌خندند و لذت می‌برند، ولی از آرامش قبل از توفان باید ترسید؛ توفانی که قرار است لیلا را به یکی از تنهاترین قهرمان‌های سینمای ایران تبدیل کند. بعد از گذشت زمان، زندگی روی دیگری به خود می‌گیرد؛ بچه‌ای که قرار نیست به دنیا بیاید و مصیبت‌وارتر از این مسئله که مشکل نازایی از زن قصه است، فشارها از هر طرف به لیلا وارد می‌شود. مادر و خانواده رضا، برای حفظ و ثداوم میراث خانوادگی و داشتن فرزند از پسر خانواده، به تکاپو می‌افتند تا با راضی‌کردن لیلا، برای پسرشان همسر جدیدی اختیار کنند. ولی طلاق نه، بلکه زن دوم؛ زنی که بچه‌ای را به دنیا آورده و از زندگی این زوج کنار برود. لیلا برای خوشحالی رضا به این خواسته تن می‌دهد، چون رضا بچه بسیار دوست دارد. لیلا در تصمیم مردد بین خواسته خود و علاقه رز زمین‌گیر می‌شود، ولی فداکاری می‌کند. از آن طرف رضا در تصمیم بین علاقه‌های خود به همسر و خواسته‌های خانواده سستی می‌کند و به ازدواج تن می‌دهد، لیلا تنها می‌ماند، غصه می‌خورد، اشک می‌ریزد، او باپ‌وتوان این اتفاق را به واسطه لطافت زنانه‌اش ندارد و برای دورشدن از رضا و زندگی قبلی خود، به خانه آباواجدادی‌اش پناه می‌برد. یک تصمیم تلخ، قهرمان قصه را به کام تلخی می‌کشانند.

مرور تاریخ تحولات سینمای ایران

از فیلم‌های جنگی باشد و اتفاقا در آن زمان نیز مرکز توجه قرار گرفت».

باشار نورایی، منتقد سینما، نیز نگاهی دیگر به نمایش نسخه ترمیم‌شده فیلم‌های تاریخ سینمای ایران دارد. او دراین‌باره نوشت: «سینما» اگر به لحاظ تاریخی، در قیاس با هنرهای دیگر هنر جوانی است، در دورانی شکل گرفت که می‌توان آن را قرن تلاطم نامید. دو جنگ جهانی و تحولات سریع تاریخ و برآمدن و برافتادن حکومت‌ها و ایدئولوژی‌ها، همیشه گریبان‌گیر سینما بوده است و بسیاری از فیلم‌ها با مهر «ممنوعه» به انبار فرستاده می‌شوند تا در آنجا بپوسند. در نظام استودیویی، صاحب سرمایه خلاقیت کارگردان را مهار و فیلم را به دلخواه خودش کوتاه می‌کرد تا داغ حسرت بر دل سینمادوست بگذارد (مانند کوتاه‌شدن «امبرسون‌های باشکوه» اورسن ولز از سوی استودیو و ازبین‌رفتن نزدیک به ۴۰ دقیقه از آن فیلم) و دولت‌ها نیز شاید از سر بی‌اعتنایی و شاید به‌همد، در حفظ و مرمت فیلم‌ها کمتر می‌کوشند.

حتی در کشوری مانند آمریکا که به شکلی سرزمین سینما به حساب می‌آید، تا سال ۱۹۸۸ که

«قانون ملی نگهداری فیلم‌ها» و پیرو آن تشکیل «فهرست ملی ثبت فیلم» از سوی کتابخانه کنگره آمریکا (که بازوی فرهنگی کنگره است) وضع شد، فیلم‌های مهم از گزند نابودی در امان نبودند. یک سینمادوست در آمریکا تا آن زمان برای یافتن فیلمی باید به آرشیو استودیوها، مجموعه‌های فردی یا



زندگی بهتر ولی موقت، از ایران می‌روند. حامد دالنگس می‌شود و تنها می‌ماند. او می‌نوازد، می‌خواند و همانند پرنده‌ای که در قفس محکوم به تنهایی است، آواز سر می‌دهد. او با خاطرات همسر و فرزندش به‌واسط فیلم‌های ضبط‌شده، زندگی‌اش را ادامه می‌دهد. حامد، قهرمان قصه، نماینده جامعه‌ای تحصیل‌کرده و اهل هنر است. ولی قربانی اقتصاد و سیاست‌های نادرست حقوق شهروندی کشور شده و بی‌کار می‌شود. این موارد، تنها قسمتی کوچک از نزول قهرمان است. در نقطه عطف داستان، هجرت خانواده‌اش از شرایط موقت خارج می‌شود و به دور از پیمان قبلی با احمد، به صورت دائمی در می‌آید تا جایی که همسرش طلاق غیابی درخواست می‌کند و بی‌فروپاشی قهرمان قصه می‌انجامد. او تنهاست، تنها‌تر هم می‌شود. متأسفانه، سیاست‌ها در کشور به جای ریشه‌کن‌کردن معضلات خانوادگی، بی‌کاری و اقتصاد نامناسب، تنها به دنبال محدودیت‌ها و چارچوب‌های اخلاقی از نگاه خودشان می‌چرخد و امثال حامد‌ها در گرداب اتفاق‌های تلخ غرق می‌شوند. هرچند در انتهای فیلم، آشنایی حامد با زنی دیگر، کورسوی امیدی به تماشاگر می‌دهد، ولی این کمترین امید، زیر بار درام غمگین داستان پنهان می‌شود. ■ ■ ■

آیا سینمای ما، سیاه‌نمایی می‌کند یا اتفاقات اجتماعی ما آن‌قدر تلخ و گزنده‌است؟ آیا راهی دارد روایت‌های شیرین‌تری از زندگی قهرمانان جامعه بیان‌شود؟

سینمای اجتماعی برگرفته از جامعه خودش است. تلاش سینماگران در طول تاریخ بر این بوده است؛ معضلات و مسائل اجتماعی را مانند آینه‌ای منعکس کنند. این وظیفه سینماست.

درست است که سینمای اجتماعی برگرفته از دل جامعه است، ولی آیا بیان این همه تلخی در این ژانر، برای سینمایی که ذات سرگرم‌کننده دارد لازم است؟ آیا تماشاگران سینما، به غیر از زندگی واقعی در سینما هم باید سختی بکشند؟ نظم بر این استوار است؛ تلاش ما باید بر این باشد؛ در کنار روایت‌های واقعی از جامعه، قهرمانان خود را با امید بیشتری خلق کنیم. آیا در این سال‌های سخت ما قهرمانان موفقی در کشور نداشته‌ایم؟ مردمی که امید نداشته باشند، برخی و افسرده می‌شوند. هرچند بر این باور هستم برخی به دنبال قهرمان‌کشی در سینما و جامعه هستند، چون از نگاه غلط آنها، قهرمان می‌تواند منافع سیاسی آنها را از بین ببرد، ولی سینما باید بجنگد، آگاهی دهد، امید دهد در کنار اینکه به واقعیت‌های جامعه وفادار باشد.

حوادث» که به‌تازگی برای اعضای خانه سینما به نمایش درآمد، به‌عنوان نمونه‌ای مهم، از چند منظر می‌تواند اهمیت حفظ، مرمت و نمایش این آثار را نشان دهد.

نخست، تهران در اوایل دهه ۳۰ و دو سال پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. شروع فیلم با نمای چهارراه پهلوی (ولیعصر) تصویری جامع از آن منطقه را در اختیار محققان می‌گذارد که شاید صدها عکس عاجز از نمایش آن باشند. از سوی دیگر، نوع پوشش آدم‌ها، مغازه‌ها، معماری محیطی و ساختمان‌ها که با دقت به‌عنوان سرزمین در فیلم گنجانده شده‌اند، کیفیت استادی بالارزشی دارند. از منظر زیبایی‌شناسی نیز فیلم به‌عنوان یکی از آثار متفاوت آن سال‌ها، سیر تکامل فیلم‌برداری، نورپردازی، کارگردانی و میزاسن را در سینمای ایران عیان می‌کند. آنچه به‌عنوان امضای کارگردانی ساموئل خاچیکیان می‌شناسیم، یعنی استفاده از نورپردازی و زوایای غیرمعمول را می‌توان در این نسخه مرمت‌شده شناخت و تلاش این کارگردان و گروه‌ش را برای ارتقای عناصر فنی سینما در آن دوران مشاهده کرد.

ازاین‌رو، به نظر می‌رسد بخش مهمی از بودجه سینمایی باید صرف حفظ و مرمت فیلم‌های تاریخ سینمای ایران شود و فارغ از معیارهای اخلاقی، اهمیت این فیلم‌ها به‌عنوان پدیده‌های تاریخی برای تکوین و تکامل زیبایی‌شناسی سینمای ایران مدنظر قرار گیرد.

از سوی دیگر، نمایش نسخه‌های مرمت‌شده در مدارس عالی سینمایی و دانشکده‌ها، به آموزش سینمایی هنرجویان کمک می‌کند. مشخصه مشاهده کدرام بسیاری از هنرجویان سینما نه از سر بی‌علاقه‌بودن، بلکه به دلیل در دسترس نبودن نسخه‌های خوب فیلم‌های مهم تاریخ سینمای ایران، نسبت به این پدیده بی‌اطلاع‌اند و با تماشای نسخه‌های خوب روی پرده شگفت‌زده می‌شوند. ازاین‌رو، شاید اینکه توانیم نسلی بار بیاوریم که با آگاهی از تاریخ سینمای سرزمینشان، زمینه شکوفایی این سینما و ساخته‌شدن فیلم‌های نوآندیش را فراهم آورد و آیندگان نیز بدانند گذشتگان چه تلاشی برای شکل‌گیری هنر سینما کرده‌اند، موظف به جمع‌آوری، فهرست‌بندی، مرمت و نمایش همه فیلم‌های خوب تاریخ سینمای ایران هستیم تا این گنج پنهان، در دل تاریخ مدفون نماند».

زیر آسمان فیروزهای

ازسرگیری فروش بلیت نمایش «عروس مردگان»

گروه هنر: سایت فروش بلیت نمایش «عروس مردگان» دوباره باز شد. نمایش «عروس مردگان»، به کارگردانی امیدرضا سپهری، چهارشنبه هفته قبل (۲۵ اردیبهشت) پس از شش شب اجرا ناگهان با بسته‌شدن سایت فروش بلیت روبه‌رو شد و مدیرکل هنرهای نمایشی هم از توقیف نمایش به دلیل رعایت‌نکردن برخی تذکرها پس از بازبینی حین اجرا خبر داد. البته این توقیف در روزی انجام شد که اجرای نمایش به دلیل وفات حضرت دجیحه(س) تعطیل بود و در روزهای آخر هفته هم به‌خاطر بلیت‌های زیاد فروخته‌شده اجازة اجرا به شرط بازبینی دوباره داده شد و نمایش روی صحنه رفت.

به‌این‌ترتیب نمایش «عروس مردگان» که به نظر می‌رسد از ابتدا هم توقیفش جدی نبود، برای روزهای ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت بلیت آماده فروش در سایت tik8 دارد.

این نمایش به تهیه‌کنندگی مریم نراقی و با بازی بازیگرانی مانند میلاد کی‌مرام (ویکتور)، نازنین بیاتی (امیلی)، شقایق دهقان (مدلین)، مهران احمدی (آلدر گوتمیک)، مهران امام‌بخش (فینیس اورگلت)، ناصر عاشوری (ولیبام وُندورت)، علی عامل‌هاشمی (مهبوب) و امیر جعفری (لُرد بارکیس) با حضور نیکی کریمی (ویکتوریا) ساعت ۲۲ در سالن تهران رویال‌هال روی صحنه می‌رود.

هنر ظریف بی‌خیالی

گروه هنر: به تازگی انتشارات کرگدن کتاب «هنر ظریف بی‌خیالی» نوشته مارک منسون با ترجمه رشید جعفرپور را منتشر کرده است. «هنر ظریف بی‌خیالی» اگرچه در رده کتاب‌های خودیاری طبقه‌بندی می‌شود اما از آنجایی که موضوع متقذانه‌ای نیست به رویکردهای رایج در این‌گونه کتاب‌ها دارد، از سطح کتاب‌های خودیاری موجود فراتر می‌رود. همان‌گونه که در عنوان فرعی کتاب آمده است، نویسنده رویکردی نامتعارف و اگر بشود گفت «منفی» به موضوع «خوب‌زیستن» دارد؛ رویکردی که همان‌قدر از بصیرت‌های سنت‌های دینی و عرفانی بهره می‌گیرد که از بصیرت‌های موج سوم رفتاردرمانی، مارک منسون نشان می‌دهد در عصر حاضر چگونه جست‌وجوی صریح ادیان‌هایی مانند شادکامی، امید و آرامش شخص را از زندگی شاد و آرام امیدوار محروم کرده است. نویسنده با کمک‌گرفتن از شیوه‌های مختلف روایی و با لحنی صمیمی می‌کوشد در عین دوری از شگردهای کتاب‌های «انگیزشی» چشم‌اندازی دست‌یافتنی از یک زندگی خوب را برای خواننده ترسیم کند. نشست هفتگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه ۳۱ اردیبهشت ساعت ۱۶:۳۰ به نقد و بررسی کتاب «هنر ظریف بی‌خیالی» اختصاص دارد که با حضور دکتر مهرنوش اثباتی، دکتر بابک عباسی و رشید جعفرپور در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نیش کوچه سوم برگزار می‌شود.

اکران «شکستن همزمان بیست استخوان» در ایران و افغانستان



گروه هنر: فیلم برگزیده جشنواره جهانی فیلم فجر محصول مشترک ایران-افغانستان به زودی در این دو کشور به صورت هم‌زمان اکران خواهد شد.

به گفته نوید محمودی، تهیه‌کننده «شکستن همزمان بیست استخوان»، گفت‌وگوهایی با ابراهیم داروغه‌زاده و محسن امیریوسفی، رؤسای شورای‌عالی اکران انجام شده است تا با توجه به اعلام آمادگی افغانستان برای اکران هم‌زمان فیلم در تابستان در ایران و افغانستان، مقدمات برای اکران مهیا شود.

برآردان محمودی در حال آماده‌سازی مقدمات برای اکران فیلم در دو‌کشور هستند تا مخاطبان ایرانی و افغانستانی بتوانند فیلم را هم‌زمان ببینند.

فیلم «شکستن همزمان بیست استخوان» که با نام بین‌المللی «رونا مادر عظیم» محصول مشترک ایران و افغانستان از طرف افغانستان به آکادمی اسکار برای شرکت در بخش فیلم غیرانگلیسی معرفی شد، تا به امروز در ۱۵ فستیوال بین‌المللی شرکت داشته و چند جایزه از جمله بهترین فیلم از جشنواره بوسان و بهترین فیلم از جشنواره وژول را به دست آورده است. محسن تائبنده، مجتبی پیرزاده، فرشته حسینی، فاطمه حسینی، فاطمه میرزایی، محیا رضایی، سعید چنگیزیان و علیرضا استادی در این فیلم نقش آفرینی کرده‌اند.